دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر فصلنامه ی
علمی فضای جغرافیایی

دوره بیست و پنجم، شماره ۹۱
پاییز ۱۴۰۴، صفحات ۱۲۰-۹۴

وکیل حیدری ساربان[۱]

مطالعه و تحلیل اثرات عدالت اجتماعی بر بهبود شاخص‌های اقتصادی مناطق روستایی، مطالعه موردی: شهرستان اردبیل

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش:۱۴۰۴/۱۰/۲۳

چکیده

امروزه رشد و توسعه اقتصادی تنها دغدغه دولتمردان هر جامعه‌ای محسوب می‌شود و نیز برای تمامی شهروندان کره زمین رشد و توسعه اقتصادی در اولویت اول آن‌ها قرار دارد و یکی از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر بهبود شاخص‌های اقتصادی، عدالت و برابری در جامعه می‌باشد. هدف این مقاله مطالعه و تحلیل اثرات عدالت اجتماعی بر بهبود شاخص‌های اقتصادی در مناطق روستایی شهرستان اردبیل می‌باشد. این تحقیق از نوع همبستگی و به روش تحلیلی-تبیینی است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، شامل کل روستاییان بالای ۱۵ سال ساکن در مناطق روستایی شهرستان شهرستان اردبیل می‌باشد (N=۸۵۰۵۳)، که از این میان تعداد ۳۸۳ نفر با استفاده از فرمول کوکران به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. روایی صوری پرسش‌نامه توسط پانل متخصصان مورد تایید قرار گرفت. مطالعه راهنما در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد۳۰ پرسش‌نامه صورت گرفت و با داده‌های کسب شده و استفاده از فرمول ویژه کرونباخ آلفا در نرم افزار SPSS ، پایایی بخش‌های مختلف پرسش‌نامه تحقیق ۰/۷۷ الی ۰/۹۰ بدست آمد. نتیجه حاصل از آزمون همبستگی پیرسون نشان داد به جز مولفه‌های دسترسی به اعتبارات و حصول به تامین‌های اجتماعی و اقتصادی برای مردم بین تمامی مولفه‌های تحقیق با بهبود شاخص‌های اقتصادی مناطق روستایی شهرستان اردبیل رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و در خاتمه، با توجه به تحلیل نتایج، پیشنهاداتی کاربردی نیز ارائه شده است. نگاه به ارتقای و رشد شاخص‌های اقتصادی از منظر برابری و عدالت که تا به امروز هیچ گونه متونی پیرامونش وجود ندارد به این معنی که امروزه عدالت و برابری به مثابه موتور محرکه رشد و توسعه اقتصادی عمل می‌کند.

کلید واژه: عدالت اجتماعی، اقتصاد روستا، توسعه اقتصادی، توسعه روستایی، شهرستان اردبیل

[۱]گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. Email: V_heidari@uma.ac.ir

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.83252/geospa.2025.3.4122]

مقدمه

پیرامون عدالت اجتماعی باید گفت که علاوه بر نیازهای زیستی، افراد انسانی در راه کسب فضایل برتر که ویژه انسان است، نیز، نیازمند یکدیگرند. انسان برای کسب فضایل اخلاقی و دستیابی به «حالات برتر و افضل»، بدون «زیست گروهی و اجتماع گروه‌های بسیار در جایگاه و مکان واحد و پیوستگی به یکدیگر» ناتوان می‌باشد. بنابراین هم زیست‌حیوانی انسان و هم رشد اخلاقیات انسان در گروه زندگی اجتماعی است. و در این بین، عدالت ضروری‌ترین و بالاترین فضیلت دست‌یافتنی برای سازماندهی زندگی اجتماعی می‌باشد.

شواهد تجربی از آزمایش‌های اقتصاد رفتاری گویای این واقعیت است که انسان موجودی است که صرفا به منافع خود توجه ندارد، بلکه منافع دیگران را نیز لحاظ می‌کند. تجربه روزمره و هم‌چنین شواهد علمی، موید آن است که انسان‌ها نگاه مثبتی به نابرابری نداشته و از آن اکراه دارند. به عبارت دقیق‌تر، مطلوبیت انسان‌ها نه تنها ناشی از درآمد خود بلکه ناشی از وضعیت نسبی دیگران نیز هست. یعنی انسان‌ها در اوضاع بسامان و بهنجار روحی روانی و ارزش‌ها، و هنجارها و رویه‌های حاکم بر جامعه عدالت اجتماعی را پاس می‌دارند و عدالت اجتماعی و سیاسی از جمله مباحث و موضوعات محوری در مشارکت افراد جامعه در سیاست‌های خرد و کلان هر جامعه‌ای است.

بررسی‌ها گویای این واقعیت است، اگر چه در بسیاری از کشورها فقر کاهش یافته، ولی افزایش نابرابری به شدت نگران کننده شده است. این افزایش، حتی اگر درآمدهای سرانه با اغواگری هم‌زمان روندی روبه افزایش داشته باشد، به شکاف روزافزون بین طبقات متوسط و بالای مرفه منجر می‌شود و اکثریت کم‌وبیش محرومی که بیش از پیش عقب می‌مانند، در جامعه ایجاد می‌شود(Stiglitz & Shahed, 2003). و نیز، در شرایط نابرابری فزآینده، محرومان اغلب احساس می‌کنند که از منظر سیاسی در حاشیه قرار گرفته‌اند و قدرت اظهار نظر ندارند. این امر ابتدا به بی‌تفاوتی و بی‌میلی نسبت به مشارکت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و سرانجام به خشم منجر می‌شود. در این صورت نهادها شانس اندکی برای کسب مشروعیت پیدا می‌کنند و در نتیجه، تغییر سیاسی و انتقال مطلوب از یک دولت متمرکز به یک حکومت مشارکتی‌تر می‌تواند به تعویق بیفتد و عاقبت گسترش نابرابری‌های منطقه‌ای می‌تواند به بروز تنش‌هایی منجر شود که حتمی ممکن است به تجزیه کشور بیانجامد.

پرواضح است که اکثریت فقرای کشور ما در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و ضمن این که تعداد کثیری از فقرای این کشور در مناطق روستایی به سر می‌برند باید این مهم هم مورد توجه قرار گیرد که در مناطق روستایی هم ثروت و امکانات به صورت یکسان توزیع نشده است و به عبارتی، نابرابری در مناطق روستایی به شدت به چشم می‌خورد در این راستا، Momeni(2017) ، بر این باور است که اگر جوامع نابرابرساز باشد، هم روحیه مسئولیت‌گریزی افزایش پیدا می‌کند و هم از دیگر سو، روحیه همه‌چیزخواهی؛ هم فرآیندهای پراتلاف و پراسراف موضوعیت پیدا می‌کند، هم اثر نمایشی یا اثر چشم‌وهم‌چشمی می‌تواند مشکل‌آفرینی کند. و نیز، جامعه‌ای نابرابرساز سبب می‌شود که به صورت نظام‌وار انگیزه‌های دانایی و کارایی و بهره‌وری تضعیف و به جای آن رانت و ربا و فساد و سلطه غیرمولدها همه‌گیر می‌شود. عدالت اجتماعی سبب می‌شود که ساختار نهادی تولید محور جای خود را به ساختار

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.83252/geospa.2025.3.4122]

نهادی مافیایی و نامولد بدهد و بقا، رفاه، بهره‌وری، توان رقابت و قدرت انعطاف بالا برود، حقوق مالکیت تضمین شود، هزینه‌های مبادله کاهش یابد، تولید رونق بگیرد و مالیات در راستای حداکثرسازی منافع اخذ گردد، از طریق اصلاحات نهادی هزینه فرصت مفت‌خوادرگی و برخورداری‌های بی‌زحمت و بی‌واسطه افزایش می‌یابد چون که در ساختار نهادی غیرمولد تولید نمی‌تواند رشد پیدا کند، ظرفیت‌های سازمانی و نهادی در نیل به قابلیت، توانایی، قدرت مقاومت و انعطاف بالا تحقق یابد، شفافیت اقتصادی رخ عیان می‌کند و شفافیت یعنی مرگ رانت‌جویی. شفافیت و نظارت عمومی جایگزین صلاحدید شخصی می‌شود و اقتصاد کلان ثبات لازم را به دست می‌آورد. پرهویداست که مولفه‌های فوق در گرو اقدام مداخله‌ای دولت محقق می‌شود ولی باید در نظر داشت که دولت بایستی قانون‌محوری، برنامه‌محوری و علم‌محوری را سرلوحه برنامه‌های توسعه‌ای خود در نیل به نتیجه دلخواه قرار دهد.

از سو دیگر، بررسی‌ها و مطالعات میدانی نگارنده در نواحی روستایی شهرستان اردبیل حاکی از آن است که میزان نابرابری و بی‌عدالتی در حیات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیطی روستاییان در مناطق روستایی و حتی بین مناطق شهری و نواحی روستایی به وضوح قابل رویت است اگر به مقایسه این دو سکونتگاه انسانی اهتمام گردد روشن می‌شود که شکاف طبقاتی و فاصله غنی و فقیر بین این دوسکونتگاه بسیار عظیم است به این دلیل که، بیشتر فقرای جهان در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و حتی بانک جهانی؛ توسعه روستایی را «به مثابه نوعی استراتژی جهت کاهش فقرای روستایی» تعریف می‌کند و نیز اگر به خود مناطق روستایی فارغ از این مقایسه توجه شود به ضوح مشاهده می‌شود که ساکنان مناطق روستایی به لحاظ اقتصادی، معرفتی، فرهنگی، توانمندی‌های روانی، آگاهی‌های سیاسی، دانش، نگرش زیست‌محیطی، ثروت، قدرت و منزلت با همدیگر تفاوت‌های عمده‌ای دارند که این تفاوت‌ها و افتراقات به مانند سد و مانعی در سرراه رشد و توسعه اقتصادی مناطق روستایی قد علم می‌کند به این خاطر نگارنده با این پیش فرض وارد داستان می‌شود که نابرابری فزآینده به اشکال مختلف و در عرصه‌های گوناگون و در مقیاس متفاوت وجود دارد که به مثابه سد راه توسعه مناطق روستایی عمل کرده و بهبود شاخص‌های اقتصادی را به یک آرزو و آرمان تبدیل می‌کند از این منظر که، از منابع و امکانات به صورت معقولانه استفاده نمی‌شود، منابع و امکانات به صورت بهینه توزیع نمی‌شود، خروج سرمایه با شدت بیشتر از مناطق روستایی رخ می‌دهد، دسترسی به فرصت‌ها به صورت عادلانه صورت نمی‌گیرد، پس‌انداز بیش‌تر به یک افسانه می‌ماند تا واقعیت، هیچ گونه اقدامی در راستای کاهش هزینه‌های تولید صورت نمی‌گیرد، به کاهش هزینه‌های معاملات اندک عنایتی نمی‌شود، شاخص‌های توسعه مالی به جای بهبود روند بدبود خود را طی می‌کند، به خلق فعالیت‌های اقتصادی جدید هیچ‌گونه اهتمامی صورت نمی‌گیرد، هیچ اقدامی در راستای تسهیل تسهیلات سرمایه‌گذاری صورت نمی‌گیرد، زنجیره‌های تولید در راستای تولید بیش‌تر و با راندمان و بهره‌وری بالا شناسایی نمی‌شود، به مقوله رضایتمندی شغلی روستاییان توجه نمی‌شود، اقداماتی در راستای افزایش درآمد سرانه روستاییان شهرستان اردبیل صورت نمی‌گیرد، رفاه اجتماعی و کیفیت زندگی روستاییان هر روز سقوط می‌کند، افزایش سرمایه‌گذاری در جهت تولید ثروت و درآمد سرانه و تولید ناخالص داخلی در مناطق روستایی شهرستان اردبیل به بوته فراموشی می‌شود، چراغ صنایع دستی روستایی روز به روز فروغ و روشنایی خود را از کف می‌دهد، روستاییان برای بقا می‌جنگند نه برای مصرف بیش‌تر و سایر سائق‌های

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.83252/geospa.2025.3.4122]

زندگی، ارائه خدمات اعتباری دولت به روستاییان در سطح نازل قرار دارد، نهاده‌های کشاورزی جهت افزایش میزان بهره‌وری و کارآیی در اختیار روستاییان یا قرار داده نمی‌شود و یا در مقیاس کم داده می‌شود، به تنوع‌بخشی اقتصاد روستا اهتمام نمی‌شود، محصولات کشاورزان بیمه نشده و کشاورزان هرسال از این رهگذر زیان و خسارت به غایت فراونی را متحمل می‌شوند و در این راستا، نگارنده بر این باور است که علت‌العلل و یا به عبارتی تنها و یا یگانه علت این مشکلات نابرابری و عدم تحقق عدالت اجتماعی و توزیع مساوی امکانات و منابع در مناطق روستایی شهرستان اردبیل است و به این سبب در این نوشتار تلاش شده است که ارتباط بین دو متغیر عدالت اجتماعی و بهبود شاخص‌های اقتصادی مناطق روستایی مورد بحث و بررسی قرار گیرد و به این خاطر، این تحقیق به دنبال آن است که این سئوال را مورد بررسی و کاوش قرار دهد: که آیا بین عدالت اجتماعی و بهبود شاخص‌های اقتصادی روستایی رابطه معناداری وجود دارد؟

مبانی نظری

از عدالت تعاریف متعددی قبل و بعد از رنساس صورت گرفته است به عنوان نمونه، قبل از رنسانس فیثاغورث، سقراط، افلاطون، ارسطو و سیسرون به تعریف عدالت مبادرت ورزیده‌اند و بعد از رنسانس متفکرانی مانند هیرشمن، هابز، جان لاک، روسو، هایک، مارکس، اسپینوزا، هگل و غیره به تعریف عدالت اجتماعی اهتمام داشته‌اند. از منظر فیثاغورث، عدالت به مثابه شایستگی‌های فردی است و به زعم ایشان، عدالت از رهگذر رعایت حقوق شهروندان مطابق به استعداد طبیعی‌شان تحقق می‌یابد و افراد به تناسب این استعدادها در جایگاه مخصوص خود قرار می‌گیرند (Swift, 2017). از منظر، سقراط عدالت آن است که هر کسی آن چه در خور اوست داشته باشد و انجام دهد (Malekian, 2015). افلاطون عدالت را هماهنگی و همکاری اجزا روح معرفی می‌کند و نیز، ارسطو عدالت را نه یک ارزش فرافردی، بلکه یک فضیلت شخصی می‌داند.

اگر از منظر تاریخی به مقوله عدالت نگاه شود روشن می‌شود که بعد از رنساس مبانی فکری، معرفتی و فلسفی عدالت مورد تغییر و تحول قرارگرفت به این معنی که، همه مفاهیم صبغه انسانی به خود گرفت و تنها در حوزه عمل انسانی معنادار شد. طبیعت و نظام طبیعی بدون انسان و عمل انسانی بی‌معنا شد و عدالت وصف انسانی پیدا کرد و عملی عادلانه تلقی شد که بر اساس اصول ناظر به صیانت از حقوق اساسی بشری استوار گردید (Ghaninejad& Nili, 2015). افزون بر این، هیرشمن، در اتمسفر و فضای فکری بعد از دوره رنسانس چنین استدلال کرد که ایده هواهای نفسانی می‌تواند موجب پیدایش خوشبختی و نفع همگانی شود. در اثر قوانین خردمندانه الهی، هواهای نفسانی آدمیان که یکسره به دنبال مطلوبیت شخصی و نفع همگانی خویش هستند، به نظم و ترتیبی مدنی در می‌آیند که حیات انسان‌ها را در جامعه بشری امکان‌پذیر می‌کند. بدین ترتیب نظریه مهارسازی به عنوان ایده اصلی لیبرالیسم قرن نوزدهم رونق یافت (Lashkari, 2010). و در عرصه اقتصاد دیدگاه مبتنی بر نفع شخصی بود که توانست به عنوان الگویی غالب، بیانگر تامین منافع همگانی و خیر و سعادت جامعه شود. در این بین قراردادگرایی وارد عرصه شد تا حقوق و تنظیم روابط انسان‌ها را به دوش گیرد و به انسان‌ها در نیل به منافع

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-28]
[DOI: 10.83252/geospa.2025.3.4122]

خودشان معاضدت کند. این رویکرد به چگونگی دست‌یابی شهروندان به منافع‌شان کمک می‌کند و در قراردادگرایی دو رویکرد مطمح نظر قرار می گیرد که عبارتند از: رویکرد حقوق فردی و ساخت‌گرایی.

در رویکرد ساخت‌گرایی، به جای حقوق فردی بر وصف نهادهای اساسی جامعه استوار است. و در این رویکرد، به عدالت از دو منظر عدالت به منزله منفعت و عدالت به منزله بی‌طرفی نگاه می‌شود. در رویکرد عدالت به منزله منفعت، هابز بر این عقیده است که قانون بشری در صورتی کارآمد است که بتوان آن را از رفتار واقعی آدمیان استخراج کرد؛ یعنی از نیرومندترین انگیزه‌ای که همه آنان را در بسیاری از مواقع به حرکت در می‌آورد (Voigt, 2018; Bonoli,1996). هابز قانون، قواعد و رویه‌های بشری را در صورت کارا، تعیین‌کننده و اثربخش می‌داند که از رفتار واقعی انسان‌ها نشات گرفته باشد، یعنی قدرتمندترین انگیزه‌ای که انسان‌ها را در هر مکان و اوضاع و احوالی به تحرک و سیلان وا می‌دارد (Freeman, 2013; Savio Kavuri & Shao, 2018)، مبانی قانون طبیعی را نبایستی در هدف و چگونه و غایت بشری؛ بل در خاستگاه‌ها و سرچشمه‌های بشر، یعنی در هستی اولیه کار یافت. و از آن‌جا که انسان به طوری ذاتی خود را دوست دارد، لذا قانون طبیعی را باید از میل به ماندگاری استخراج کرد، در این صورت منبع و آبشخور هرگونه عدالت و اخلاق، در میل به بقا و ماندگاری و اجتناب از عدم نهفته است یعنی دوری از عالم عدم و رو آوردن به عالم وجود. با این اوصاف، تمامی رسالت، ماموریت و وظایف در حق زندگی نهفته است و دیگر اخلاقیات به وظیفه ارتباط پیدا نمی‌کند. پس هیچ‌گونه وظیفه مطلق وجود ندارد و انسان تا زمانی به انجام وظیفه‌ای مکلف و متعهد است که حق حیات‌اش را به مخاطره نیندازد. پس، تنها حق نامشروط و مطلق، در همین حق زندگی نهفته است و لاغیر(Sen, 2018). این دیدگاه در تبیین اقتصاد و عدالت اقتصادی به غایت به کار رفته است. از آن‌جا که فرد واقعیت دارد و جامعه دربرگیرنده مجموعه‌ای از افراد است و از این منظر است که به اراده و رضایت خاطر بیش‌ترین بها داده می‌شود، بهترین نظم اقتصادی هم پذیرش و قبول قراردادی است که بیش‌ترین رضایت خاطر را برای بیش‌ترین افراد مهیا سازد (Valentini, 2018; Barr, 2017). دیدگاه عدالت به مثابه بی‌طرفی، محصول تسهیم نظریه‌های کانت در نظریه عدالت است. آن جا که کانت می‌کوشد هم آزادی‌های مدنی و فردی انسان‌ها را پاس بدارد و این آزادی‌ها را به غایت خود برساند و از این‌که چگونه می‌شود به روش قانونمند آن‌ها را مهار کرد به راه حلی دست یازید. به باور کانت انسان موجودی است اخلاقی. و باید سازوکاری را تدبیر کند که فقط نیل به وظیفه باشد و سود و تمایل و میل دیگری آن را حمایت و پشتبانی نکند. علاوه بر این، کانت یک رویه و قواعد و قانون اخلاقی مطلق و غیرمشروط را پیش می‌کشد با این مضمون که « اگر غایت اراده آزاد انسان‌ها نیل به انجام وظیفه باشد، آن عمل اخلاقی محسوب می‌شود» (Paulo, 2016; Eyvazlou, 2010). این قانون به همگان ندا می‌دهد تا به قصد و نیت انجام وظیفه دست به عمل بزنند. در این اوضاع و احوال، قانونی که هر فرد بر مبنای آن دست به عمل می‌زند، قانونی عام و همگانی است.

افکار و نظریات کانت دیدگاهی را پرورش و بالنده کرد که در نقطه مقابل نفع‌گرایی و منفعت‌طلبی بود. دیدگاه عدالت به مثابه بی‌طرفی، حاصل تسهیم نظریه‌های کانت در نظریه‌های عدالت است. چهره شاخص و بل بینان‌گذار و پایه‌گذار از دیدگاه و نگرش، جان رالز است. ایشان هم به قراردادگرایی ملتزم است و از سوی دیگر، اندیشه عدالت

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.83252/geospa.2025.3.4122]

را با سودطلبی و فایده‌گرایی در تعارض می‌بیند، ایشان تاکید می‌کند که با نگاه فایده‌گرایی انصاف عملا به بوته فراموشی سپرده شده و نیست می‌شود. ایده اصلی رالز در مقوله عدالت ایده انصاف است و این بعد از عدالت است که فایده‌گرایی از توجیه آن قاصر و ناتوان است. از این منظر، رالز با کانت همسو و همدل می‌شود و اصل نخست از اصول عدالت رالز از رویکرد کانتی به امر اخلاقی متاثر می‌شود (Rawls, 2010). رالز چنین می‌اندیشد که عدالت زمانی در جامعه محقق می‌شود که امتیازات بی‌جا حذف شده و تعادل واقعی در میان خواسته‌های متعارض انسان‌ها، در ساختار یک نهاد اجتماعی برقرار شود. هر زمان نهادهای اجتماعی، امکانات و توانمندی‌های خود را بر مبنای قواعد عادلانه توزیع کنند، عدالت پا می‌گیرد. به باور رالز، عدالت قابلیت استنتاج از اصولی است که ساخته و پرداخته عقل انسان است (Sen, 2015; Kamn, 2012). رالز اصولی را برای عدالت طرح می‌کند که در اصل اول بر آزادی و برابری استفاه از آزادی‌های اساسی تاکید دارد، در اصل دوم به نابرابری‌ها پرداخته است و در این خصوص چنین استدلال می‌کند که بی عدالتی تنها، آن دسته از نابرابری‌هایی است که به سود همگان نباشد (Rawls, 2010; Sen, 2018). اصول دوگانه رالز، عدالت را با معیار ارزش اخلاقی می سنجد. به عقیده رالز نابرابری اقتصادی در جامعه اجتناب‌ناپذیر است؛ لکن با توجه به محدودیت‌هایی که در مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی اعم از تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی، توانایی‌های افراد و شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه وجود دارد، صرفا با شرایطی که رالز ارائه می‌کند می‌توان به طور نسبی عادلانه عمل نمود. البته ایشان به راه‌حل‌های عملی نیز دست می‌یازد و برای کم کردن نابرابری‌ها توصیه می‌کند که از طریق وضع مالیات، حفظ رقابت در بازار، توزیع ثروت، تامین حداقل معیشت، ایجاد فرصت‌های برابر، جلوگیری از تمرکز قدرت برای ایجاد آزادی و فرصت‌های برابر می‌بایست نظارت بر اقتصاد را افزایش داد. ایشان، نابرابری را در مقابل کارایی اقتصادی نمی‌داند، بلکه آن را انگیزه‌ای برای رشد اقتصادی معرفی می‌کند. نابرابری خود باعث فقیرتر شدن تهیدستان می‌شود و لاجرم فی نفسه عادلانه نیست. و به همین دلیل رالز پیشنهاد می‌کند که دولت در استفاده از اهرم‌های اقتصادی و سیاسی مداخله کند، و از این طریق نابرابری را به حد عادلانه کاهش دهد. ایشان همواره تاکید موکد دارد که دخالت دولت برای کاهش نابرابری و توزیع ثروت از طبقات بالا به پایین و مداخله در گرایش به بازار به منظور جلوگیری از تمرکز ثروت و سرمایه نباید به کارایی اقتصادی جامعه لطمه وارد سازد و توان تولیدی اقتصاد را کاهش دهد (Sen, 2015). نوزیک از منتقدان سرسخت رالز است و عدالت را مبتنی بر حقوق طبیعی می‌داند. وی می‌گوید اگر کسی ثروت خود را بدون تجاوز به ثروت دیگران بدست آورد، در آن صورت دولت حق ندارد ثروت ایشان را بدون اجازه آنان برای توزیع بین تهیدستان تقسیم کند و اصلا دولت حق ندارد برای حمایت از فقیران به ثروتمندان مالیات ببندد (Silver, 1990). و نیز، از منتقدان دیگر رالز، هایک می‌باشد که اندیشه عدالت را تهدیدی جدی برای آزادی و در جهت تحکیم توتالیتر تلقی می‌کند و دولت رفاهی را یکی از مظاهر این چنین نظامی می‌پندارد. هم‌چنین به باور ایشان، عدالت اجتماعی بایستی مبتنی بر شایستگی افراد باشد، نه چیز دیگر، و تاکید می‌کند که مداخله دولت‌ها در برقراری رفاه برای تحقق عدالت اجتماعی، ناقض عدالت است؛ زیرا در چنین مداخله‌ای هرگز تخصیص کمک‌ها بر اساس شایستگی‌های افراد صورت نمی‌گیرد (Savio Kavuri and Shao, 2018). و در نقطه مقابل این دو متفکر،

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.83252/geospa.2025.3.4122]

آمارتیاسن، تمام سعی و تلاش خود را به کار می‌گیرد تا با توسیع و تعمیق کانون برابری رالز، به تکامل نظریه عدالت اهتمام ورزد. ایشان این بحث را پیش می‌کشد که میان وجود وسایل، دستاورد یا امکانات اولیه، قابلیت و توانایی استفاده از امکانات تفاوت وجود دارد و اصرار می‌ورزد که متغیر تعیین‌کننده و کانونی در نظریه عدالت بایستی همین «قابلیت» باشد.

تاکنون نظریه‌های متعدد در تبیین مفهوم عدالت جعل و کشف شده است که عبارتند از: عدالت اجتماعی به مثابه تناسب، عدالت اجتماعی به مثابه شایستگی و لیاقت و عدالت اجتماعی به مثابه رعایت تناسب، استحقاق و شایستگی‌ها. در خصوص عدالت اجتماعی به مثابه تناسب باید گفت که در اندیشه افلاطون در سطح اجتماعی نیز عدالت به مفهوم تناسب و قرار گرفتن افراد جامعه در طبقات خاص خود است. ایشان جامعه را در سه طبقه فرمانروایان و نگهبانان و توده مردم (افزارمندان) رده‌بندی می‌کند. از منظر افلاطون عدالت اجتماعی محقق نمی‌شود مگر این که هر فرد در طبقه خاص خود قرار گیرد و از امتیازات طبقه خاص خود برخوردار شود و نیز، نقش مخصوص به خود را ایفا نماید. از این‌رو، عدالت اجتماعی در این برداشت به معنی و مفهوم تناسب و موزونیت و قرار گرفتن در جایگاه خاص و مخصوص به خود است (Friedman, 2003). و نیز، پیرامون عدالت اجتماعی به مثابه شایستگی و لیاقت باید گفت که عدالت در این برداشت، به مفهوم توزیع امکانات و مناصب بر اساس شایستگی‌ها و لیاقت‌هاست. در این دیدگاه، توزیع امکانات مادی و رفاهی و نیز توزیع مناصب بر اساس شایستگی‌ها و لیاقت‌ها صورد گیرد. این دیدگاه در اندیشه ارسطو قابل ردیابی است که در توزیع امکانات مادی، شایستگی‌های افراد را مدنظر دارد، از این‌رو ارسطو به عدالت توزیعی قائل است و هم در نوع و شکل حکومت، طبقه متوسط را شایسته حکومت کردن می‌داند. در واقع وی به لحاظ اقتصادی و سیاسی به شایسته‌سالاری ارج می‌نهد (Sen, 2015). درباره، عدالت اجتماعی به مثابه مساوات و برابری سیسرون بر این باور است که عدالت اجتماعی به جز مساوات هیچ معنا و مفهوم دیگری ندارد. از منظر ایشان، انسان‌ها به صورت برابر خلق شده‌اند پس جوهر و غایت قصوای عدالت اجتماعی نیز برابری است (Swift, 2017). البته پیرامون این مفهوم، در دوره رنسانس آکوئیناس بر این باور بود که انسان‌ها می‌توانند این حق را برای خودشان محفوظ بدارند که از حد متوسط شرایط زیستن به صورت برابر و یکسان برخوردار باشند، یعنی ایشان پای مساوات‌طلبی را در این جا پیش می‌کشد. و در دوران مدرن مارکس با این برداشت از عدالت همدلی و همسویی بیش‌تری نشان می‌دهد و چنین استدلال می‌کند که عدالت اجتماعی زمانی جلوه عملی به خود می‌گیرد که انسان‌ها در شرایط برابر اقتصادی به سر ببرند نه این که عده‌ای غنی و عده دیگری فقیر باشند و این مهم محقق نمی‌شود مگر این که ثروت مجددا بین طبقات اجتماعی جامعه توزیع شود (Daly, 2001; Lambord & Twikirize, 2017). در این بین اقتصاددانان ساختارگرا به توسعه، رفع بیکاری، نابرابری و فقر پرداختند و دریافتند که بین عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی رابطه وجود دارد و هر سیاست توزیعی که پس‌انداز کل را متاثر کند، بر فرآیند رشد اقتصادی موثر است. این تاثیر تا حدی است که بعضی از اقتصاددانان توسعه، نابرابری توزیع درآمد در مراحل اولیه توسعه را لازم دانسته‌اند. بعضی از مصادیق این نابرابری

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.83252/geospa.2025.3.4122]

اخذ مالیات از درآمد ثروتمندان، سیاست ملی کردن مدیریت اموال و ملی کردن صنایع است (Sharifzadegan, 2008).

نظریه‌های مدرن عـدالت بـیش از همه به تفسیرهای مکانیکی و فیزیکی تغییر ماهیت داده‌اند و همین امـر باعـث گردیـده است که نظریه‌های عدالت در حوزه اقتصاد تکامل بیشتری بیابند. عدالت اقتصـادی نـه تنها بخش اعظم عدالت در جامعه را در برمی‌گیرد، بلکه حتی می‌تواند به عنـوان تمـام جوانب عدالت اجتماعی نگریسته شود چرا که تمایلات، منافع، شـرایط و رقابـت بـین افراد را می‌توان به بیان اقتصادی و براساس شاخص‌های مربوط توضیح داد. یکی از مهم‌ترین بخشهای عدالت اقتصادی عدالت توزیعی است (Kolm, 1999; Albouy, 2013). به طـور کلـی، هنگامی که «بیشتر داشتن» برای یکی از موارد قابل بررسی از لحاظ معیارهـای عـدالت مستلزم «کمتر داشتن» برای دیگری است، مسأله توزیع مسـأله عـدالت تـوزیعی اسـت. مهمترین کاربرد عدالت توزیعی در تخصیص کالاها، خدمات، منابع یا در مورد اجنـاس کمیاب است که به طـور مسـتقیم یـا غیرمسـتقیم موجـب پیـدایش خواسـته‌ای رقیـب می‌گردند (Kolm, 1999). یا به زعم Silver(1990) ، مسأله عدالت اقتصادی یا توزیعی، مسأله استخراج قاعده‌ای اسـت بـرای توزیع موارد خواستنی (چیزهای مطلوب) در بین افراد جامعه. در این بین، Kaman(2012) ، بر این باور است که بدون دولت هیچ عدالتی حاصل نمی‌شود. دولت است که عدالت توزیعی و مبادله‌ای را برقرار می‌دهد ؛ از این‌رو، از منظر هابز عدالت خصلت حاکمان است، نه مردمان. منفعت‌گرایان عمدتا به هابزین‌ها منتسب هستند که میل به لذت و منفعت را ذات آدمی می‌دانند.

پیشینه پژوهش

بالاخره، تاکنون مطالعات چندی در خصوص عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی صورت گرفته است که در ذیل به چندی از آن‌ها اشاره می‌شود.

Sharifzadegan(2018) ، در تحقیقی با عنوان «راهبردهای توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی» دریافت که راهبرد رشد توام با توزیع درآمد برای حل مسائل رشد و عدالت اجتماعی بهتر می‌تواند رشد و عدالت را به همراه داشته باشد. نتایج مطالعات Heidari Sarban(2018) ، با عنوان «تحلیل عوامل بهبود احساس عدالت اجتماعی» نشان داد که بازتوزیع درآمد و تقویت نظام حمایتی، سهولت دسترسی به منابع و امکانات و حمایت روان‌شناختی روستاییان، توسعه اجتماعی و عدالت فضایی و تقویت زیرساخت‌ها از مولفه‌های تاثیر در بهبود احساس عدالت اجتماعی جوامع روستایی می‌باشد.

Robinson(2013) ، در مطالعات خود دریافت که به میزان توزیع عادلانه درآمدها و ثروت‌ها در مناطق روستایی، اقتصاد رو به ثبات گراییده و رشد و شکوفا شده و در مجموع به تحقق توسعه مناطق روستایی معاضدت می‌کند. نتایج مطالعات Allboy(2013) ، نشان می‌دهد اگر چرخ دنده‌های رشد و رونق تولید در مناطق روستایی از حرکت باز بماند نیل به عدالت اجتماعی نه تنها شدنی نخواهد بود بلکه فقر در سطح جامعه روستایی توزیع شده و به زبان دیگر راه برای توزیع فقر هموار می‌شود. عده‌ای با عینک بدبینی به توزیع امکانات و فرصت‌ها در مناطق روستایی نگاه می‌کنند در این بین، به زعم Lee(2017) ، تاکید بر عدالت اجتماعی در مناطق روستایی نوآوری، ابتکار،

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.83252/geospa.2025.3.4122]

خلاقیت، ریسک‌پذیری و در کل، روحیه کارآفرینی را تحت‌الشعاع قرار داده و امکان انباشت ثروت و پس‌انداز و متعاقب آن سرمایه‌گذاری را با مانع جدی مواجه می‌سازد. Murninon(2018) ، بر این باور است که یگانه علت و یا تنها علت و یا علت‌العلل توسعه به طور اعم و توسعه‌نیافتگی مناطق روستایی به طور اخص در غفلت و عدم توجه به مقوله عدالت اجتماعی و نابرابری‌های فاقد توجیه نهفته است. اگر با این عینک به وضعیت توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی این مرزوبوم نگاه شود روشن می‌شود در جامعه‌ای که ساختار نهادی آن به صورت نظام‌وار نابرابری‌ها را افزایش می‌دهد، الگوی مسلط مناسبات اجتماعی الگوی ستیز است؛ یعنی نه رقابت سازنده در آن شکل می‌گیرد و نه همکاری و تعاون برای ساختن آینده بهتر در دستور کار قرار می‌گیرد و نه از معجزه تقسیم کار عقلانی چندان خبری نیست، به باور Momeni(2017) ، که صرف نظر از آن‌چه به شکل ظاهری دنبال خواهد شد، کشور اعم از سکونتگاه‌های انسانی شهر و روستا به یک کانون صاحب صلاحیت در بالاترین سطح ملی نیاز دارد تا در آن، گزینش افراد بر اساس صلاحیت‌های تخصصی و تجربی و نه بر اساس ملاحظات دیگران باشد و این افراد راه نجات کشور را بر حول دو محور «برخورد برنامه‌ریزی شده» برای برون رفت از توسعه‌نیافتگی و «توسعه عادلانه» دنبال کنند. بالاخره، در این تحقیق سعی شده است به پیوندهای موجود بین عدالت و توسعه اقتصادی نگاه شود و نتایج تمامی مطالعات صورت گرفته موید این حقیقت است که نابرابری و توزیع ناعادلانه درآمد و فرصت‌ها به عقب‌ماندگی اقتصادی در مناطق روستایی دامن زده است چون‌که، تعمیق فقر در سطح جامعه و نابودی طبقه متوسط تمامی برنامه‌های توسعه‌ای مناطق روستایی به ویژه توسعه اقتصادی را ناکام می‌گذارد و بدتر از آن، در صورت ترویج و شیوع ناعدالتی و نابرابری در مناطق روستایی، دیگر طبقه متوسط از بدنه جامعه رخت بر می‌بندد و رخت بربستن طبقه متوسط ضمن تشدید نابرابری و فقر به تداوم عقب‌ماندگی فرهنگی و ورشکستگی اقتصادی، انسداد سیاسی، فروپاشی اجتماعی، تخریب محیط زیست و غیره ختم می‌شود.

مواد و روش ها

این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی، و از نظر ماهیت و انجام تحقیق و با توجه به موضوع، توصیفی پیمایشی و همبستگی است. در این تحقیق روش گردآوری داده‌ها برای پاسخ‌گویی به سئوالات تحقیق، به صورت پیمایشی (داده‌های اولیه) و ابزار مورد استفاده در روش پیمایشی پرسش‌نامه و مصاحبه بوده است. به منظور بررسی ارتباط بین متغیرهای پژوهش از دو نوع پرسش‌نامه عدالت اجتماعی و شاخص‌های اقتصادی مناطق روستایی استفاده گردید. ابزار جمع‌آوری داده پرسش‌نامه بوده است. پرسش‌نامه عدالت اجتماعی شامل۳۹ پرسش است که به سنجش مولفه‌های تقویت عدالت اجتماعی می‌پردازد. مضاف بر این، برای سنجش شاخص‌های اقتصادی مناطق روستایی محقق با توجه به سئوالات تحقیق به تهیه و تنظیم پرسش‌نامه با توجه به اهداف تحقیق مبادرت ورزید. روایی صوری پرسش‌نامه توسط پانل متخصصان مورد تایید قرار گرفت. مطالعه راهنما[2] در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد۳۰ پرسش‌نامه صورت گرفت و با داده‌های کسب شده و استفاده از فرمول ویژه کرونباخ آلفا در نرم افزار **SPSS**،

[2] . Pilot study

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.83252/geospa.2025.3.4122]

پایایی[3] بخش‌های مختلف پرسش‌نامه تحقیق ۰/۷۷ الی ۰/۹۰ بدست آمد. متغیرهای مستقل این تحقیق شامل مولفه‌های تقویت عدالت اجتماعی(برخورداری از آموزش و بهداشت، دسترسی به اعتبارات دولتی، دسترسی به اطلاعات، دسترسی به قدرت سیاسی، برخورداری از منزلت اجتماعی، دسترسی به منابع درآمدی، دسترسی به شبکه‌های اجتماعی، مداخله در سازماندهی، توزیع متعادل سرمایه، حصول تامین‌های اجتماعی و اقتصادی، فقرزدایی و رفع بیکاری، دسترسی به امکانات و فرصت‌های برابر، تضعیف احساس ذهنی اعضای جامعه نسبت به نابرابری و ارتقای کیفیت زندگ و رفاه اجتماعی) و متغیر وابسته شامل شاخص‌های اقتصادی روستایی (میزان نرخ اشتغال، کاهش فقر و بیکاری، تنوع‌بخشی به اقتصاد روستایی، تقویت کارآفرینی، جلوگیری از خروج سرمایه، ارائه خدمات اعتباری، تقلیل احساس محرومیت نسبی، بهبود بهره‌وری، روان‌سازی کنش‌های اقتصادی، تسهیل فرآیند بازاریابی،کاهش هزینه‌های تولید، دسترسی به نهاده‌های کشاورزی، میزان پس‌انداز و کاهش هزینه‌های معاملاتی) مناطق روستایی می‌باشد در این نوشتار، متغیر وابسته در ٤٥ گویه به شیوه خودسنجی با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (هیچ=۰، کم=۱، متوسط=۲، زیاد=۳، و خیلی زیاد=٤) اندازه‌گیری شد.

جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، شامل کل روستاییان (بالای ۱۵ سال) ساکن در مناطق روستایی شهرستان اردبیل می‌باشد (N=۱۲۳۲٦٤)، که از این میان تعداد ۳۸۳ نفر با استفاده از فرمول کوکران به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده است بدین ترتیب، اصل شانس برابر برای انتخاب افراد جامعه جهت عضویت در نمونه رعایت شد. در این پژوهش اطلاعات بدست آمده با استفاده از شیوه‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای تبیین رابطه بین هر یک از مولفه‌های متغیر مستقل و متغیر وابسته از ضرایب همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون چندمتغیره استفاده شد و همه عملیات آماری با استفاده از نرم افزار **SPSS** انجام گرفت. در خاتمه، در تحقیق حاضر این فرضیه که بین تقویت عدالت اجتماعی و بهبود شاخص‌های اقتصادی مناطق روستایی شهرستان اردبیل رابطه وجود دارد مورد آزمون قرار گرفته است.

یافته‌ها : الف) یافته‌های توصیفی

نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی در جدول (۱) نشان می‌دهد که میانگین و انحراف معیار متغیر برخورداری از آموزش و بهداشت به ترتیب ۷/٥٤ و ۲٥/۸۷ می‌باشد. و نیز، میانگین و انحراف معیار متغیر دسترسی به اعتبارات دولتی به ترتیب ۷/۳٤ و ٥/۷٤ می‌باشد. هم چنین، میانگین و انحراف معیار متغیر دسترسی به اطلاعات به ترتیب ۷/۰۲ و ۲٤/۲۸ می‌باشد. علاوه بر این، میانگین و انحراف معیار متغیر دسترسی به قدرت سیاسی به ترتیب ٦/۸۹ و ٤/٤۷ می‌باشد. مضاف بر این، میانگین و انحراف معیار متغیر برخورداری از منزلت اجتماعی به ترتیب ٦/۷٤ و ۱۲/۱٦ می‌باشد. افزون بر این، میانگین و انحراف معیار متغیر دسترسی به منابع درآمدی به ترتیب ٦/٥٤ و ۳/۹۸ می‌باشد. بعلاوه، میانگین و انحراف معیار متغیر دسترسی به شبکه‌های اجتماعی به ترتیب ٦/۰۸ و ۷/۲۳ می‌باشد. مضاف بر

[3] . Reliability

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.83252/geospa.2025.3.4122]

این، میانگین و انحراف معیار متغیر مداخله در سازمان‌دهی به ترتیب۵/۸۹ و ٦/۳٦ می‌باشد. علاوه بر این، میانگین و انحراف معیار متغیر توزیع متعادل سرمایه به ترتیب ۵/۷۳ و ۱۳/٤۷ می‌باشد. همچنین، میانگین و انحراف معیار متغیر حصول تامین‌های اقتصادی و اجتماعی به ترتیب ۵/٤۵ و ۹/۸۲ می‌باشد. و نیز، میانگین و انحراف معیار متغیر فقرزدایی و رفع بیکاری به ترتیب ٤/٦۸ و٦/۲۵ می‌باشد. همچنین، میانگین و انحراف معیار متغیر دسترسی به امکانات و فرصت‌های برابر به ترتیب ٤/۲۱ و ۵/۳۸ می‌باشد مضاف بر این، میانگین و انحراف معیار متغیر تضعیف احساس ذهنی اعضای جامعه نسبت به نابرابری به ترتیب ۳/۷۵ و ۱۰/۲۲ می‌باشد. در خاتمه، میانگین و انحراف معیار ارتقای کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی به ترتیب ۳/٤۵ و ۲/۳۸ می‌باشد.

جدول۱- درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار متغیرهای مستقل

Table 1- Frequency percentage, mean and standard deviation of independent variables

ردیف	متغیر	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار
		درصد پاسخ‌گویان						
۱	برخورداری از آموزش و بهداشت	۸/۱۵	۱۳/٦۹	۱۷/۲۳	۲۲/٤۱	۳۸/۵۲	۷/۵٤	۲۵/۸۷
۲	دسترسی به اعتبارات دولتی	۳۳/۲۹	۲٦/٤۷	۲۱/۱۷	۱۰/۱۷	۸/۹	۷/۳٤	۵/۷٤
۳	دسترسی به اطلاعات	۱۳/۵۲	۱۵/۷۳	۱۷/٦۹	۲٤/۳۱	۲۸/۷۵	۷/۰۲	۲٤/۲۸
٤	دسترسی به قدرت سیاسی	۱۰/۱۳	۱٤/٤۳	۱۹/۸۷	۲۵/۳۸	۳۰/۱۹	٦/۸۹	٤/٤۷
۵	برخورداری از منزلت اجتماعی	۱٦/۵٤	۱۹/۷۳	۲۰/۹۲	۲٦/٤۷	۱٦/۳٤	٦/۷٤	۱۲/۱٦
٦	دسترسی به منابع درآمدی	۹/۳۸	۱۷/٦۵	۱۸/۵٤	۲۷/٤۹	۲٦/۹٤	٦/۵٤	۳/۹۸
۷	دسترسی به شبکه‌های اجتماعی	۱۳/۹۵	۸/۹۲	۲۱/۸۱	۲۸/۷۹	۲٦/۵۳	٦/۰۸	۷/۲۳
۸	مداخله در سازماندهی	۱۱/۵۹	۱۱/۹۱	۱۸/٦۵	۲٤/۵۲	۳۳/۳۳	۵/۸۹	٦/۳٦
۹	توزیع متعادل سرمایه	۱۲/٦۷	۱٦/۵٤	۱۹/۲۷	۲۳/۸۷	۲۷/٦۵	۵/۷۳	۱۳/٤۷
۱۰	حصول تامین‌های اجتماعی و اقتصادی	۳۰/۷۵	۲۵/۱۳	۲۰/۹۱	۱۱/۵٤	۱۱/٦۷	۵/٤۵	۹/۸۲
۱۱	فقرزدایی و رفع بیکاری	۱۰/۸۵	۱٤/۷۵	۱۷/٦۹	۲٦/٤۲	۳۰/۲۹	٤/٦۸	٦/۲۵
۱۲	دسترسی به امکانات و فر صت‌های برابر	۱٤/۵۱	۱۲/٦۲	۱۸/۷٦	۲۲/۲۲	۳۱/۸۹	٤/۲۱	۵/۳۸
۱۳	تضعیف احساس ذهنی اعضای جامعه نسبت به نابرابری	٦/۵٤	۱٤/۷۹	۲۰/۱۸	۲٦/۵۲	۳۱/۹۷	۳/۷۵	۱۰/۲۲
۱٤	ارتقای کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی	۱۱/۷۲	۱٦/٤۳	۲۲/٤۹	۲۷/۸۹	۲۱/٤۷	۳/٤۵	۲/۳۸

نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی در جدول (۲) نشان می‌دهد که میانگین و انحراف معیار متغیر کارآفرینی به ترتیب ۸/۵٦ و ۳/٦۵ می‌باشد. و نیز، میانگین و انحراف معیار متغیرکاهش فقر و بیکاری به ترتیب ۷/٤۵ و ٦/۱۵ می‌باشد. هم چنین، میانگین و انحراف معیار متغیر تنوع‌بخشی به اقتصاد روستایی به ترتیب ۷/۳۸ و ۱۲/۳۲ می‌باشد. علاوه بر این، میانگین و انحراف معیار متغیر میزان درآمد سرانه به ترتیب ۷/۱۲ و ۵/۱۲ می‌باشد. مضاف بر این، میانگین و

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.83252/geospa.2025.3.4122]

انحراف معیار متغیر بهبود بهره‌وری به ترتیب ۷/۰٤ و ۳/۹۸ می‌باشد. علاوه بر این، میانگین و انحراف معیار متغیر نرخ اشتغال به ترتیب٦/۸٦ و ۹/٤۱ می‌باشد. و نیز، میانگین و انحراف معیار متغیر جلوگیری از خروج سرمایه به ترتیب ٦/٤٥ و ٤/٤۷ می‌باشد. هم‌چنین، میانگین و انحراف معیار متغیرتقلیل احساس محرومیت نسبی به ترتیب ٦/۳۱ و ۱٤/۱۲ می‌باشد. افزون بر این، میانگین و انحراف معیار متغیرارائه خدمات اعتباری به ترتیب ٦/۲۲ و ٤/۹۸ می‌باشد. و نیز، میانگین و انحراف معیار متغیر روان‌سازی کنش‌های اقتصادی به ترتیب ۵/۷۳ و ۹/۷٤ می‌باشد. علاوه بر این، میانگین و انحراف معیار متغیر تسهیل فرآیند بازاریابی به ترتیب ۵/٦۹ و ۱٤/۰۲ می‌باشد. علاوه بر این، میانگین و انحراف معیار متغیر کاهش هزینه‌های تولید به ترتیب ۵/۲۵ و ۷/۵۱ می‌باشد. و نیز، میانگین و انحراف معیار متغیردسترسی به نهاده‌های کشاورزی به ترتیب ٤/٤۹ و ٦/۳۲ می‌باشد. هم‌چنین، میانگین و انحراف معیار متغیر میزان پس‌انداز به ترتیب٤/۲۱ و ۱۳/۰۵ می‌باشد. بالاخره، میانگین و انحراف معیار متغیر کاهش هزینه‌های معاملاتی به ترتیب ۳/۷٤ و ۸/۳۲ می‌باشد.

جدول ۲- درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار متغیرهای وابسته

Table 2- Frequency percentage, mean and standard deviation of dependent variables

ردیف	متغیر	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار
		درصد پاسخ‌گویان						
۱	تقویت کارآفرینی	۹/۳۹	۱۲/۷۵	۱۷/۸۲	۲٤/۳٦	۳۵/٦۸	۸/۵٦	۳/٦۵
۲	کاهش فقر و بیکاری	۱۳/۸۲	۱۱/۸۱	۱۸/٦۸	۲٦/٤۲	۲۹/۲۷	۷/٤۵	٦/۱۵
۳	تنوع بخشی به اقتصاد روستایی	۹/۷٤	۱٤/۹۱	۱۷/۳۷	۲۵/۸۷	۳۲/۱۱	۷/۳۸	۱۲/۳۲
٤	میزان درآمد سرانه	٦/۹۷	۱۹/٤۲	۱۳/۸۷	۲۹/٤۲	۳۰/۳۲	۷/۱۲	۵/۱۲
۵	بهبود بهره‌وری	۱۱/۱۳	۱۲/۸۲	۱٦/٦۱	۲۰/۷۳	۳۸/۷۱	۷/۰٤	۳/۹۸
٦	میزان نرخ اشتغال	۵/۵۷	۱۷/۳٦	۲۱/٤۲	۲۸/٤۹	۲۷/۱٦	٦/۸٦	۹/٤۱
۷	جلوگیری از خروج سرمایه	۳۳/٦۷	۲۸/٤۲	۲۰/۸۷	۸/۲٤	۵/۸	٦/٤۵	٤/٤۷
۸	تقلیل احساس محرومیت نسبی	۳۲/۱۸	۲۹/٤۳	۱٦/۳۷	۱٤/۷۲	۷/۳	٦/۳۱	۱٤/۱۲
۹	ارائه خدمات اعتباری	٦/٦۷	۱۰/٤۹	۱۹/۲۱	۲۸/۹۳	۳۵/۱	٦/۲۲	٤/۹۸
۱۰	روان‌سازی کنش‌های اقتصادی	۲۹/٤۷	۲٦/۵٤	۱۸/٤۹	۱٦/۵۱	۸/۹۹	۵/۷۳	۹/۷٤
۱۱	تسهیل فرآیند بازاریابی	۱۰/٤۵	۱۳/۹۲	۲۲/٤۲	۲۰/۰۹	۳۳/۱۲	۵/٦۹	۱٤/۰۲
۱۲	کاهش هزینه‌های تولید	۵/٤۲	۵/۱۷	۱۹/۱۸	۳۱/۷	۳۸/۵۳	۵/۲۵	۷/۵۱
۱۳	دسترسی به نهاده‌های کشاورزی	۷/٦۳	۱۳/٤۹	۲۱/٦٤	۲۸/۵۹	۲۸/٦۵	٤/٤۹	٦/۳۲
۱٤	میزان پس‌انداز	۱۱/۹٤	۱۲/۸۷	۱٦/٤۹	۲٤/۰۲	۳٤/٦۸	٤/۲۱	۱۳/۰۵
۱۵	کاهش هزینه‌های معاملاتی	۱٤/۸۲	۱۰/۷۵	۱۹/٤۲	۲۳/۸۷	۳۱/۱٤	۳/۷٤	۸/۳۲

ب) نتایج استنباطی

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.83252/geospa.2025.3.4122]

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول (۳)، نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که رابطه بین متغیرهای برخورداری از برخورداری از آموزش و بهداشت، دسترسی به اطلاعات، دسترسی به قدرت سیاسی، برخورداری از منزلت اجتماعی، فقرزدایی و رفع بیکاری، دسترسی به امکانات و فر صت‌های برابر، تضعیف احساس ذهنی اعضای جامعه نسبت به نابرابری و ارتقای کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی در سطح ۱ درصد خطا مثبت شده است و رابطه بین متغیرهای دسترسی به منابع درآمدی، دسترسی به شبکه‌های اجتماعی، مداخله در سازماندهی و توزیع متعادل سرمایه با متغیر وابسته شاخص‌های اقتصادی در سطح ۵ درصد خطا مثبت شده است و ضمن این که بین متغیرهای دسترسی به اعتبارات دولتی و حصول تامین‌های اجتماعی و اقتصادی برای مردم با متغیر شاخص‌های اقتصادی رابطه معنی‌داری مشاهده نشده است.

جدول ۳- نتایج ضریب همبستگی جهت تعیین رابطه بین دو متغیر

Table 3- Results of the correlation coefficient to determine the relationship between two variables

ردیف	متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار(r)	مقدار (p)
عدالت اجتماعی	برخورداری از آموزش و بهداشت	شاخص‌های اقتصادی	۰/۷۵٤	۰/۰۰۰
	دسترسی به اعتبارات دولتی	شاخص‌های اقتصادی	۰/۰۷٦	۰/۳۲۵
	دسترسی به اطلاعات	شاخص‌های اقتصادی	۰/٦۸۵	۰/۰۰۱
	دسترسی به قدرت سیاسی	شاخص‌های اقتصادی	۰/۵٤۸	۰/۰۰۳
	برخورداری از منزلت اجتماعی	شاخص‌های اقتصادی	۰/٤۵٤	۰/۰۰۰
	دسترسی به منابع درآمدی	شاخص‌های اقتصادی	۰/٤۹۸	۰/۰۲
	دسترسی به شبکه‌های اجتماعی	شاخص‌های اقتصادی	۰/۱۲۸	۰/۰٤
	مداخله در سازماندهی	شاخص‌های اقتصادی	۰/۱۹۸	۰/۰۳
	توزیع متعادل سرمایه	شاخص‌های اقتصادی	۰/۳۱۱	۰/۰٤
	حصول تامین‌های اجتماعی و اقتصادی برای مردم	شاخص‌های اقتصادی	۰/۱۱۱	۰/۰۹
	فقرزدایی و رفع بیکاری	شاخص‌های اقتصادی	۰/۵۷٤	۰/۰۰۰
	دسترسی به امکانات و فر صت‌های برابر	شاخص‌های اقتصادی	۰/۲٦۵	۰/۰۰٤
	تضعیف احساس ذهنی اعضای جامعه نسبت به نابرابری	شاخص‌های اقتصادی	۰/۳۱۵	۰/۰۰۰
	ارتقای کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی	شاخص‌های اقتصادی	۰/۲۱٤	۰/۰۰۹

نتایج رگرسیون چند متغیره

در این روش بر اساس بتای استاندارد بدست آمده متغیرهای برخورداری از آموزش و بهداشت، دسترسی به قدرت سیاسی، دسترسی به منابع درآمدی، فقرزدایی و رفع بیکاری، تضعیف احساس ذهنی نسبت به نابرابری، ارتقای کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی به ترتیب به عنوان متغیرهایی بودند که بیش‌ترین سهم را در میزان تغییرات متغیر وابسته داشتند. لذا این متغیرها در مدل نهایی باقی مانده و بقیه متغیرها از معادله حذف شدند. نتایج نشان می‌دهد این

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.83252/geospa.2025.3.4122]

متغیرهای پیش‌بین ۲۸ درصد (R^2 =۰/۲۸) از میزان واریانس متغیر وابسته (شاخص‌های اقتصادی) را پیش بینی می‌کنند. ضریب تعیین بیان‌گر این است که متغیرهای دیگری نیز در میزان بهبود شاخص‌های اقتصادی در مناطق روستایی تاثیرگذار بوده‌اند که در مطالعه حاضر بررسی نشده است. نتایج تحلیل واریانس یک طرفه نیز معنی‌دار بودن رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرها را در گام نهایی نشان می‌دهد. جداول (٤) و (٥) اطلاعات مربوط به این تجزیه و تحلیل را نشان می‌دهند. به منظور برآورد معادله تخمین، با توجه به اطلاعات بدست آمده و معنی‌دار بودن مدل نهایی رگرسیون چند متغیره در این پژوهش، با معادله زیر می‌توان میزان عدالت اجتماعی را با بهبود شاخص‌های اقتصادی در مناطق روستایی در منطقه مورد مطالعه تخمین زد:

$$y = 4.20 + -0.238(X_1) + -0.023\ (X_2) + 0.235\ (X_3) + -0.165\ (X_4) + -0.021(X_5) + -0.125\ (X_6)$$

جدول٤- ضرایب رگرسیون چند مرحله‌ای برای تبیین رابطه عدالت اجتماعی و شاخص‌های اقتصادی

Table 4- Multi-step regression coefficients for explaining the relationship between social justice and economic indicators

گام	نام متغیر	ضریب رگرسیون	ضریب تعیین R^2	ضریب تعیین تعدیل شده	مقدار (F)	مقدار(p)
۱	برخورداری از آموزش و بهداشت	۰/۳٦۲	۰/۱۳۱	۰/۱۲۷	۳٤/۰۹	۰/۰۰۰
۲	دسترسی به قدرت سیاسی	۰/٤۱۱	۰/۱٦۹	۰/۱٦۱	۲۲/۸۰	۰/۰۰۰
۳	دسترسی به منابع درآمدی	۰/٤٤۹	۰/۲۰۲	۰/۱۹۱	۱۸/۸۵	۰/۰۰۰
٤	فقرزدایی و رفع بیکاری	۰/٤۹٥	۰/۲٤٥	۰/۲۳۱	۱۸/۰٥	۰/۰۰۰
٥	تضعیف احساس ذهنی نسبت به نابرابری	۰/٥۱۳	۰/۲٦۳	۰/۲٤۷	۱٥/۸٦	۰/۰۰۰
٦	ارتقای کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی	۰/٥۲۹	۰/۲۸۰	۰/۲٦۰	۱٤/۳۰	۰/۰۰۰

جدول ٥- ضرایب متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون نهایی برای تبیین رابطه عدالت اجتماعی و شاخص‌های اقتصادی

Table 5- Coefficients of variables entered in the final regression equation to explain the relationship between social justice and economic indicators

متغیرهای پیش‌بین	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	tمحاسبه شده	مقدار(p)
	ضریب ورود	خطای معیار	بتا (β)		
عدد ثابت (عرض از مبدا)	٤/۲۰	۰/۲۳٦	--------	۱۷/۸۳	۰/۰۰۰
برخورداری از آموزش و بهداشت (X1)	-۰/۲۳۸	۰/۰٤۰	-۰/۳٦۱	-٦/۰۳	۰/۰۰۰
دسترسی به قدرت سیاسی (X2)	-۰/۰۲۳	/۰۰۷	-۰/۲٥۳	-۳/۱٤	۰/۰۰۲
دسترسی به منابع درآمدی (X3)	۰/۲۳٥	۰/۰٤٥	۰/۳٥۲	٥/۱٦	۰/۰۰۰

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.83252/geospa.2025.3.4122]

فقرزدایی و رفع بیکاری (X4)	-۰/۱۶۵	۰/۰۴۷	-۰/۲۴۸	-۳/۴۷	۰/۰۰۱
تضعیف احساس ذهنی نسبت به نابرابری (X5)	-۰/۰۲۱	۰/۰۰۶	۰/۳۶۳	-۳/۳۴	۰/۰۰۱
ارتقای کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی (X6)	-۰/۱۲۵	۰/۰۵۶	-۰/۱۴۷	-۲/۲۲	۰/۰۲۷

در نهایت اطلاعات مندرج در شکل (۱)، نشان می‌دهد بر اساس نتایج حاصل از ضریب بتا، سهم و نقش متغیر «تضعیف احساس ذهنی» در تبیین متغیر وابسته «شاخص‌های اقتصادی» بیش‌تر از سایر متغیرها است و متغیرهای دسترسی به منابع درآمدی، ارتقای کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی و فقرزدایی و رفع بیکاری به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار گرفتند.

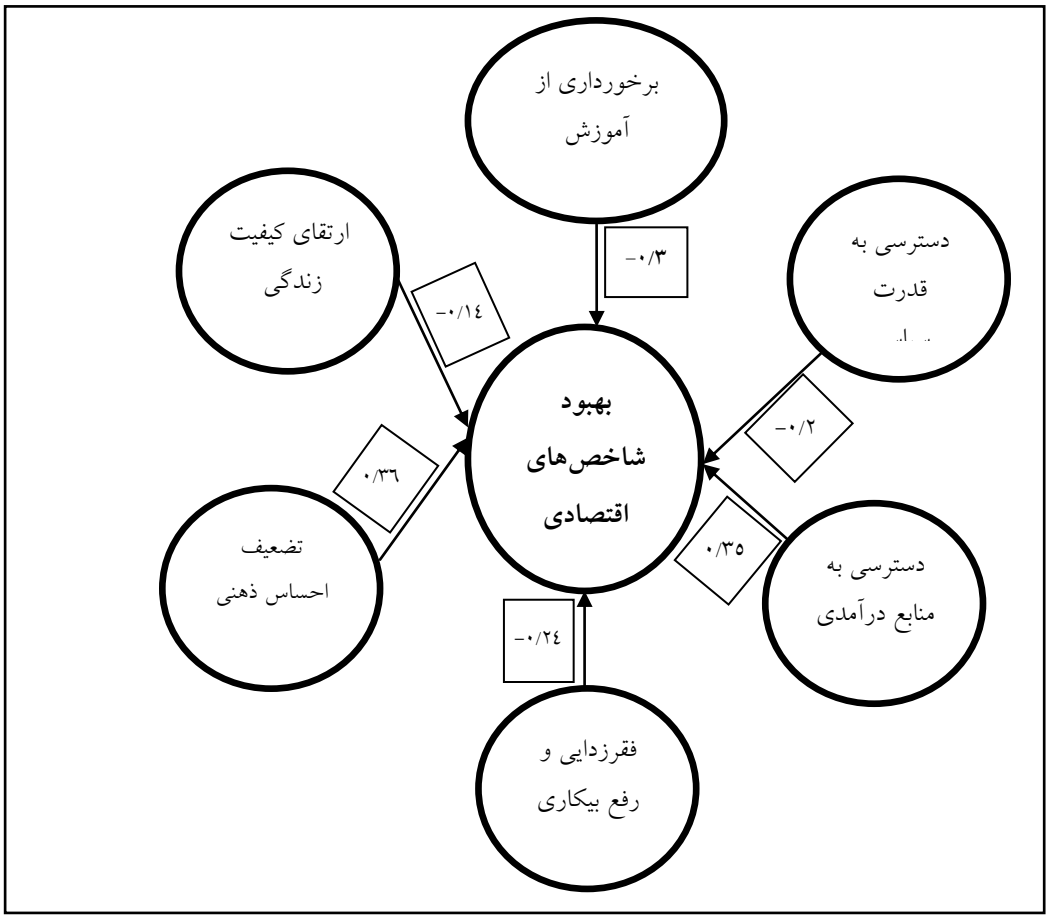

شکل۱: اهمیت نسبی متغیرهای مستقل در تبیین شاخص‌های اقتصادی.

Figure 1: Relative importance of independent variables in explaining economic indicators

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.83252/geospa.2025.3.4122]

بحث

در خصوص ارتباط معنادار بین متغیرهای آموزش و بهداشت و بهبود شاخص‌های اقتصادی ذکر این نکته در خور تامل است از آن جایی که امروزه تولید و انباشت ثروت برعکس انقلاب کشاورزی که بازومحور و انقلاب صنعتی ماشین‌محور بود مغزمحور است یعنی هر چقدر میزان دخیره دانایی شهروندان روستایی از میزان فزون‌تری برخوردار باشد به مدد دانش و ذخیره دانایی میزان بهره‌وری و اثربخشی و کارایی سیر صعودی به خود می‌گیرد افزون بر این، آموزش؛ ظرفیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های تولیدی را افزایش داده و به بالندگی فرهنگی- فکری و تحولات تمدنی منجر می‌شود. و از آن جایی یکی از عمده‌ترین شاخص‌های توسعه اقتصادی، اشتغال‌زایی شهروندان می‌باشد می‌توان با سرمایه‌گذاری بر روی نیروی انسانی و شکوفاسازی استعدادها و ظرفیت‌های انسانی برای استفاده از فرصت‌های اشتغال در مناطق روستایی می‌توان به توسعه اقتصادی در مناطق روستایی کمک کرد و اگر این گزاره مورد پذیرش قرار گیرد که کار مقدس‌ترین و خدشه‌ناپذیرین دارایی انسانی است، و عدم ارائه فرصت‌های اشتغال در اقتصاد ملی اتلاف آشکار این دارایی گران‌قدر است تنها به مدد آموزش و توانمندسازی ساکنان روستایی می‌توان از این گردنه به سلامت عبور کرد.

در خصوص ارتباط معنادار بین دسترسی به اطلاعات و بهبود شاخص‌های اقتصادی باید گفت اگر در گذشته برتری اقتصادی تابعی از منابع طبیعی و نسبت‌های عوامل طبیعی (ضرایب سرمایه به کار) بود. امروز مغز آدمی عامل اساسی است. مطالعات نشان می‌دهد هر چقدر روستاییان به اطلاعات بیش‌تری دسترسی داشته باشند قادر خواهند بود توانمندی‌ها و مهارت‌های خود را در نیل به افزایش نرخ بهره‌وری و کارایی و رشد اقتصادی افزایش دهند و نیز، دسترسی سهل به اطلاعات می‌تواند براقتصاد کلان کشور تاثیر و آن را از مدار توسعه نیافتگی خارج سازد. در این خصوص(Voigt(2018 ، براین باور است که روستاییانی که به اطلاعات بیش‌تری دسترسی دارند در مقایسه با سایر روستاییان، مهارت‌های شناختی بیش‌تری را تجربه می‌کنند. البته در پایان باید گفت که از اطلاعات و نظام آموزشی و فن‌آوری‌های نوین در رشد اقتصادی کشور نباید انتظار معجزه داشت چون نظام اقتصادی کشور گرفتار بیماری‌های مزمن ساختاری است. اتکا به درآمد نفت، حجیم بودن دولت و تسلط آن بر بخش‌های مختلف اقتصادی، فشارهای سیاسی، تحریم‌های اقتصادی و تنش در روابط سیاسی بین‌المللی.

درباره ارتباط معنادار بین دسترسی به قدرت سیاسی و بهبود شاخص‌های اقتصادی باید گفت هر چقدر مردم روستایی در فضای سیاسی و اجتماعی حضور پررنگی داشته باشند مثلا سیاستی را بپذیرند و یا با آن مقابله کنند به همان میزان، بستر لازم را برای رشد اقتصادی در مناطق روستایی آماده می‌سازند. در کل دسترسی به قدرت سیاسی، در وجود آزادهای‌های فردی، تامین زمینه‌های لازم برای مشارکت شهروندان روستایی در مدیریت سیاسی جامعه و شرکت فعال آنان در تشکل‌های مدنی و مردمی نهفته است. هر چقدر به قدرت دسترسی داشته باشند می‌توانند سرنوشت جمعی خویش را تعیین کنند در این خصوص باید گفت که، مردم زمانی بر خود حکومت می‌کنند یا زمانی به مرحله خودفرمانی فردی می‌رسند که بتوانند فعالانه در تصمیم‌گیری‌های موثر بر سرنوشت خود، مداخله کنند. به تعبیر کانت، انسان خودفرمان، صاحب اختیار خویشتن است، دیگران را به احترام وا می‌دارد و از ویژگی تاثیرگذاری

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.83252/geospa.2025.3.4122]

برخوردار است و نیرویی در اختیار دارد که می‌تواند دیگران را مرعوب کند. به باور کانت، انسان یگانه موجود عالم است که از توانایی ساختن سرنوشت خویش برخوردار است. بالاخره، انسان کنش‌گری عاقل و فعال است و می‌تواند در تعیین سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و برنامه‌های کلان اجرایی، سیاسی و قضایی فعالانه مشارکت کرده و به بهبود شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی مساعدت نماید.

درباره ارتباط معنادار بین منابع درآمدی و بهبود شاخص‌های اقتصادی باید گفت که گردشگری روستایی، صنعتی شدن و تقویت کارآفرینی می‌تواند در رشد و توسعه اقتصادی مناطق روستایی نقش بازی کند افزون بر این، انرژی، استقامت، انگیزه، دانش و مهارت روستاییان به تولید کمک کرده و به بهبود شاخص‌های اقتصادی ختم می‌شود.

پیرامون ارتباط معنادار بین منزلت اجتماعی و بهبود شاخص‌های اقتصادی باید گفت که شهروندان شهری و روستایی زمانی می‌توانند میزان تولید و بهره‌وری را ارتقای ببخشند که مسلح به سلاح منزلت فردی و اجتماعی، مهارت و خدمت باشند. البته توسعه اقتصادی به طور فوری و فوتی در مناطق روستایی رخ نمی‌دهد بلکه مستلزم وقت و صمیمت و اصول درست و شهامت و جامعیت و هماهنگی نظام‌ها و ساختار و شیوه مدیریت نگرش و ارزش‌های مشترک است.

درباره ارتباط معنادار بین دسترسی به شبکه‌های اجتماعی و بهبود شاخص‌های اقتصادی باید گفت که بین عضویت در شبکه‌های اجتماعی و توسعه اقتصادی بالا، سیستم کارآمد اقتصادی، برابری توزیع درآمدها و درآمد سرانه بالا ارتباط معناداری وجود دارد. در تایید این مهم، Barr(2017) ، بر این باور است که علاوه بر عوامل اقتصادی که موجبات بهبود شاخص‌های اقتصادی را رقم می‌زند، عوامل غیراقتصادی مانند شبکه روابط اجتماعی نیز قادر است بر پدیده رشد و بهبود شاخص‌های اقتصادی در مناطق روستایی تاثیرگذار باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

همان‌طور که مطرح گردید در نوشتار حاضر به تبیین رابطه بین متغیرهای عدالت اجتماعی بهبود شاخص‌های اقتصادی مناطق روستایی پرداخته شده است و همان‌طوری که نتایج یافته‌های استنباطی تحقیق نشان داد که رابطه بین متغیرهای برخورداری از برخورداری از آموزش و بهداشت، دسترسی به اطلاعات، دسترسی به قدرت سیاسی، برخورداری از منزلت اجتماعی، فقرزدایی و رفع بیکاری، دسترسی به امکانات و فرصت‌های برابر، تضعیف احساس ذهنی اعضای جامعه نسبت به نابرابری و ارتقای کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی در سطح ۱ درصد خطا مثبت شده است و رابطه بین متغیرهای دسترسی به منابع درآمدی، دسترسی به شبکه‌های اجتماعی، مداخله در سازماندهی و توزیع متعادل سرمایه با متغیر وابسته شاخص‌های اقتصادی در سطح ۵ درصد خطا مثبت شده است و ضمن این که بین متغیرهای دسترسی به اعتبارات دولتی و حصول تامین‌های اجتماعی و اقتصادی برای مردم با متغیر شاخص‌های اقتصادی رابطه معنی‌داری مشاهده نشده است. این تحقیق با نتایج تحقیقات Lee(2017) و Momeni(2019)هم‌خوانی دارد. از طرف دیگر، نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که از بین متغیرهای تحقیق، ٦

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.83252/geospa.2025.3.4122]

متغیر توسط کامپیوتر در معادله باقی ماندند و این ٦ متغیر توانستند ۲۸درصد از تغییرات را تبیین نمایند. و نیز در نتیجه باید گفت که،پیرامون ارتباط مستقیم بین دو متغیر آموزش و ارتقای شاخص‌های اقتصادی باید گفت که، آن نوع نظام آموزشی می‌تواند به ارتقای شاخص‌های اقتصادی کمک کند که به بچه‌ها، ریسک‌پذیری و انتقادپذیری و استدلال محوری و عقلانیت را یاد بدهد و نیز، تفرد و فردیت را در ساحت وجودی بچه‌ها تقویت کند، و یا شیوده اندیشیدن را به آستانه آگاهی بچه‌ها برساند، شیوه زیست و یا مهارت‌های زندگی را به بچه‌ها یاد بدهد و اخلاقی زیستن را در اولویت اساسی قرار دهد نه این‌که، آموزش مشق‌محور و حافظه‌محور باشد و نتیجه این امر، به این مهم ختم می‌شود که در اندک زمانی تمامی آموخته‌ها از ذهن بچه‌ها پاک شده و در زندگی عملی آنان هیچ‌گونه تاثیری نداشته باشد یعنی، این کارآفرینان است که در کشورهای پیشرفته، کسب‌وکارهای بزرگ را به دلیل ریسک پذیر بودن به کار انداخته و زمینه‌های ایجاد اشتغال چند هزار نفر را فراهم می‌کنند و یا در انتقادپذیری و نقدپذیری است که انسان‌ها رشد می‌کند و توانایی خلق ایده‌های جدید اعم از ایده‌های اقتصادی را در خود پیدا می‌کند نه این‌که، هر حقیقتی را بدون گذراندن از صافی توانمندی استدلالی ذهن بپذیرد و نیز، یادگیری باید فرآیندمحور باشد و نه فرآورده محور، چون در فرآیندی فکر کردن است که هوش هیجانی و یا حسی رشد می‌کند و این یک حقیقت واضح و عریان است که توسعه به طور اعم و توسعه روستایی به طور اخص تابعی از هوش هیجانی می‌باشد نه بهره هوشی و یا آی‌کیو. و نیز، فردیت و تفرد به ارتقای شاخص‌های اقتصادی می‌تواند مساعدت کند چون، در فردیت است که انسان، در دنیای واقعی خودش سیر می‌کند ودیگر هویت خود را تابعی از خانواده و گروه و ..نمی‌جوید بلکه، استقلال عمل و خودمختاری را تجربه می‌کند و یافته‌های علمی نشان می‌دهد که انسان در تخریب خلاق است که رشد می‌کند و اگر در جامعه‌ای تخریب خلاق نباشد توسعه‌ای رخ نمی‌دهد یعنی، در گرو آزادی است که رشد محقق می‌شود و اگر آزادی نباشد و دسترنج افراد نصیب سایرین شود فرد انگیزه تلاش و کوشش را از کف داده و بی‌خیالی پیشه می‌گیرد و نیز، بین خوب زیستن و ارتقای شاخص‌های اقتصادی رابطه وجود دارد یعنی، خوب زیستن به ارتقای توانمندی‌های ذهنی و روانی و جسمی یاری می‌رساند و طبیعی است که در سایه ارتقای شادکامی و نشاط و اعتماد به نفس و غیره است که توسعه اقتصادی رخ می‌دهد چون در جوامعی که مردم آن غرق در افسردگی و دلمردگی و استرس و غیره هستند خلاقیت و قوه ابتکار و نوآوری زمینه ظهور و بروز نیافته و در نتیجه ارتقای شاخص‌های توسعه در نطفه خفه می‌شود و نیز، اخلاقی زیستن به تقویت شاخص‌های اقتصادی کمک می کند چون انسان‌های اخلاقی اصولا کار را مقدس شمرده و آن را شر مطلق تلقی نمی‌کنند و به خودی خود کار را مقدس و ارزشمند می‌شمارند و تا می‌توانند کار می‌کنند و از رهگذر کار و تلاش، به تحقق توسعه اعم از اقتصادی و اجتماعی و غیره یاری می‌رسانند. ونیز در خصوص دسترسی به اطلاعات و تقویت شاخص‌های اقتصادی باید گفت که اگر قرار بر این باشد که رشد و توسعه‌ای در زمینه‌های گوناگون رخ دهد باید اطلاعات کافی

در دسترس شهروندان قرار گیرد چون، انسان در خلا فکر نمی‌کند بلکه، بر روی داده‌هایی که در اختیار دارد فکر می‌کند و طبیعی است، کتاب و کتاب‌خوانی می‌تواند این داده‌ها را در اختیار شهروندان روستایی قرار دهد از این‌رو، قومی که کتاب به دست نباشد در نیل به توسعه باید سختی‌های به غایت زیادی را تجربه کند و البته، این اطلاعات

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.83252/geospa.2025.3.4122]

به کار گرفته نشود تبدیل به دانش نمی‌شود پس اطلاعات باید به دانش تبدیل شود تا زمینه به ورود به خرد و حکمت‌که می تواند توسعه پایدار را با خود به همراه داشته باشد فراهم آید. و نیز، دسترسی به قدرت سیاسی نیز می‌تواند موجبات رشد اقتصادی را فراهم سازد چون اگر فرد مناسب توسعه، قدرت سیاسی را در کف خود داشته باشد، می‌تواند به تعمیق دموکراسی مساعدت کند، بستر را فراهم سازد تا شهروندان در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی مشارکت کنند، ساختار جامعه را اصلاح کند، دانش و آگاهی سیاسی شهروندان را بالا ببرد، نواحی روستایی را به یک پایگاه قدرت تبدیل کرده و نگرش‌ها را به سود توسعه روستایی تغییر دهد. و نیز رشد اقتصاد رخ نمی‌دهد مگر این‌که تعداد فقرای جامعه روستایی سیر نزولی به خود گیرد چون اگر قرار بر این باشد رشد اقتصادی به وقوع پیوندد باید طبقه متوسط در جامعه تقویت شود و اگر طبقه متوسط جامعه تقویت شود تعداد فقرای روستایی تقلیل می‌یابد یعنی در این بین، طبقه متوسط دست قشر فقیر را گرفته و به بالا می‌کشد و حتی، این طبقه متوسط است که قدرت خرید خوبی داشته و تولیدات جامعه را با تقاضای موثری که از خود نشان می‌دهند به مصرف می‌رسانند در غیر این صورت، اگرچه چرخ دنده‌های کارخانه‌های زیادی هم بچرد و تولید به غایت بالا رود هیچ‌گونه تغییر و تحولات مثبت در اقتصاد رخ نمی‌دهد چون دیگر کسی نیست که کالای تولید شده کارآفرینان و تولیدکنندگان را بخرد در نتیجه، تولید در دست آن‌ها باد کرده و تمامی بنگاه‌ها و شرکت‌ها و کارخانه‌ها ورشکست می‌شود و ورشکست شدن بنگاه‌ها و غیره زمینه اخراج کارگران را فراهم می‌سازد یعنی، نه تنها اشتغال‌زایی رخ نمی‌دهد بلکه بیکاری هر روز بیش‌تر از دیروز تشدید می‌شود و این امر، زمینه افزایش تورم را فراهم می‌سازد و البته، ورشکستی کارخانجات و شرکت‌ها و غیره با همراهی تورم، پدیده شومی به نام رکود را نیز با خود به همراه می‌آورد یعنی رکود تورمی و این جاست، که کشور آرام آرام به سمت ورشکستگی و تباهی و اضمحلال و نابودی کشیده می‌شود. و نیز، امروزه توسعه‌یافتگی در تمامی عرصه‌ها تابعی از تشکیل شبکه می‌باشد یعنی اگر کارآفرینی و استادی و نماینده مجلسی و غیره بخواهد رشد کند باید در شبکه کار کند چون، بدون شبکه مجبور است در دنیای کوچک و محدود خودش کار کند در نتیجه، هیچ موقع نمی‌فهمد میزان رشد و پیشرفت‌اش به چه میزان است نقطه ضعف و نقطه قوت و توانمندی‌های خود را هیچ موقع درک و فهم نمی‌کند و شاید خیلی از خود هم راضی باشد در نتیجه، هیچ موقع نمی‌تواند نوآوری و خلاقیت داشته باشد که در سایه آن رشد اقتصادی محقق شود.

شایسته است که در راستای نیل به عدالت اجتماعی در مناطق روستایی شهرستان اردبیل، مسئولان و متولیان توسعه باید جلوی گرانی کالاها و خدمات و افزایش تورم را بگیرند به این خاطر که، در ادبیات توسعه، از تورم به مثابه ظالمانه‌ترین مالیات‌ها یاد می‌شود که از فقرا به نفع اغنیا گرفته می‌شود به تعبیری، تورم مهلک‌ترین ضربه را به فقرا وارد می‌کند. مطلوب است که دست‌اندرکاران و تصمیم‌گیران پیرامون بیماری هلندی و اثرات سوء آن بر اقتصاد مناطق روستایی اندیشه کنند چون که بیماری هلندی به شدت میزان نابرابری و ناعدالتی را در مقیاس درآمدی و منطقه‌ای افزایش داده و توزیع متعادل ثروت را با چالش مواجه می‌سازد. افزون بر این، بر متولیان امر است که جلوی واردات بی‌رویه را بگیرند به این دلیل که، واردات بی‌رویه سبب می‌شود بخش‌های مولد اقتصاد جامعه به شدت آسیب دیده و بنگاه‌های تولیدی به سمت ورشکستگی سوق پیدا کنند البته در خصوص مناطق روستایی، باید به مهار

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.83252/geospa.2025.3.4122]

واردات بی‌رویه محصولات کشاورزی اهتمام جدی گردد که سبب فعالیت‌های سوداگرانه شده و فعالیت‌های تولیدی در مناطق روستایی را با شرایط بسیار نامطلوبی مواجه می‌سازد از این منظر که، تضعیف بخش‌های مولد مهلک‌ترین ضربه‌ای است که می‌تواند بر پیکر نحیف اقتصاد روستا وارد آید. هم‌چنین، شایسته است که در راستای پهن کردن سفره عدالت در مناطق روستایی، سیاست‌گذاری اقتصادی طوری صورت گیرد که در راستای عدالت‌ورزی وکاهش نابرابری در مناطق روستایی باشد به این معنی که، از رویکرد انبساطی مالی به شدت اجتناب گردد که با خود گسترش و تعمیق فساد را به همراه می‌آورد و اجازه می‌دهد در جامعه هم‌چنان فساد جولان کند. و نیز شایسته است که در راستای مبارزه با فساد، از اقدامات سیاست‌زده و احساسی تا حد امکان اجتناب شده و به سمت طراحی یک برنامه ملی و اندیشیده شده حرکت گردد اهمیت داستان در این نکته نهفته است که فساد، عدالت اجتماعی را که یک محور مهم آن اصل تناسب صلاحیت‌ها و برخورداری‌هاست، مخدوش می‌سازد. شایسته است زمینه دسترسی روستاییان به اعتبارات مالی و بانکی فراهم شود به این دلیل که، هر چقدر روستاییان به وام‌های ارزان‌تر (به مدد کاهش نرخ سود) دسترسی داشته باشند می‌توانند هم نیازهای مصرفی خود را تامین کرده و با وام‌های ارزان‌تر، سرمایه‌گذاری بیش‌تری را انجام داده و شاخص‌های اقتصادی را بهبود بخشند. البته همه این‌ها در شرایطی است که مداخله دولت در تعیین نرخ بهره و تخصیص منابع اعتباری در قالب دستورالعمل‌های اداری، موجب کاهش پس‌انداز و به تبع آن کاهش سرمایه‌گذاری، تبعیض بین بخش‌های اقتصادی و ناکارآیی در تخصیص منابع مالی در نظام اقتصادی، ایجاد زمینه‌های رانت‌جویی در نظام بانکی، تضعیف عملکرد نظام بانکی و در نهایت موجب ایجاد محدودیت در برابر رشد اقتصادی مناطق شهری و نواحی روستایی شده و در نیل به هدف ناکام می‌ماند. مطلوب است که در راستای نیل به عدالت اجتماعی در مناطق روستایی شهرستان اردبیل، مسئولان و متولیان توسعه باید زمینه مشارکت سیاسی روستاییان را در تعیین سرنوشت خود فراهم سازند، به محرومیت‌زدایی از مناطق روستایی اهتمام جدی داشته باشند، میزان بیکاری را تقلیل دهند، به رشد کسب و کارهای خرد مساعدت کنند، نوآوری اقتصادی و کارآفرینی اقتصادی را در مناطق روستایی تقویت کنند، به افزایش بهره‌وری و راندمان و بازدهی تولیدات روستاییان مساعدت کنند، در قبال اقدامات خودشان در مناطق روستایی پاسخگو باشند، زمینه بهره‌گیری از ماشین‌آلات شناختی را در امر تولید مهیا سازند، به خلق مشاغل نوین مساعدت کنند، کمک مادی و معنوی خودشان را از مطرودین و فراموش‌شدگان جامعه روستایی دریغ نکنند، تا می‌توانند هزینه‌های ارائه خدمات را تقلیل دهند، فساد اداری را در مناطق روستایی به حداقل برسانند، جلوی تشدید نابرابری اقتصادی را بگیرند، سرانه مصرف نهایی انرژی را کاهش دهند، استانداردهای زندگی را بالا ببرند، هزینه‌های انتقال فن‌آوری را کاهش دهند، زمینه دسترسی همگان را به فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات مهیا سازند و به تعبیری، به ایجاد دفاتر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در مناطق روستایی مدد رسانند، زمینه دسترسی همگان را به اینترنت فراهم آورند، کاری کنند که شهروندان روستایی نهایت بهره را از خدمات اقتصاد دیجیتال نصیب خود کنند، هزینه‌های زیرساخت‌های تجارت الکترونیک را تقلیل دهند و در نهایت، سوء عملکرد در حوزه اقتصادی را قلع و قمع کنند.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.83252/geospa.2025.3.4122]

References

- Albouy, D. (2013). The colonial origins of comparative rural development: an empirical investigation: comment. **The American Economic Review**, 102 (6), 3059–3076. http://www.jstor.org/stable/2677930.
- Barr, N. (2017). **Economic theory of the state: The economic foundations of the welfare state**.translated by Ali Sarzaim. Tehran: Kargodan Pub. [In Persian].
- Bonoli, G., Weick, G., & Peter Tilles, G., (1996). "**The welfare state in Europe**", translated by Hormoz Homayounpour. Tehran: Higher Institute for Social Security Research. [In Persian].
- Daly, J.(2001). Marx and Justice. **International journal of philosophical Studies**, 5 (3), 23-29. http://eprints.lse.ac.uk/archive/00000279.
- Eyvazlou, H. (2010). A review of the criteria of social and economic justice in compliance with the framework of Islamic Sharia. **Quarterly Journal of Islamic Economic Studies,** 5 (2), 26-32. [In Persian].
- Freeman, S. (2013). Ideal theory and the justice of institutions vs. comprehensive outcomes. **Rutgers Law Journal**, 43 (2),169-209. https://doi.org/10.1093/oso/9780190699260.003.0009
- Friedmann, J.(2003). **The prospect of cities**, Minneapolis: Minnesota ,University of Minnesota Press.
- Ghaninejad, M.,& Nili, M. (2015). **Economics and social justice**. Tehran: Ney Pub. [In Persian].
- Hashemi, S. H., Pouraminzadeh. S., & Paymantalb, M, S. (2010). Citizenship rights and social justice. **Quarterly Journal of Management and Development**, 7 (1), 70-61.
- Heidari Sarban, V.(2018). Factors for improving the sense of social justice, case study: Ardabil Cunty. **Quarterly Journal of Geography and Urban and Regional Planning**. 8(2), 91-115. Doi: 20.1001.1.23452277.1397.8.28.6.2. [In Persian].
- Heidari Sarban, V. (2019). **Social capital as rural development**. Ardabil, University of Mohaghegh Ardabili Pub. [In Persian].
- Kaman, F.(2012). Sen on justice and rights: a review essay. **Philosophy and Public Affairs**, 39 (1), 82-104. https://doi.org/10.1111/j.1088-4963.2011.01199.x.
- Kolm, S. C. (1999). **Modern theories of Justice**, Washington: MIT press.
- Lambord, A., & Twikirize, J. (2017). Promoting social and economic equality: Social workers' contribution to social justice and social development in South Africa and Uganda. **International Social Work**, 54(7), 313-325. DOI:10.1177/0020872814525813.
- Lashkari, A. (2010), Justice and society. **Quarterly Journal of Economic Research**, 12 (6), 31-57.[In Persian].
- Lee, L. (2017). **The republic of korea's economic growth and catch-up: implications for the people's republic of china**. NewYork: Asian Development Bank Institute.
- Malekian, M. (2015) .**Enduring Love**. Tehran: Negah Moaser Pub.[In Persian].
- Momeni, F. (2017). **Social justice, freedom and development in Iran today**. Tehran: Naqsh-e-Negar Pub.[In Persian].

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.83252/geospa.2025.3.4122]

- Murninon, W. (2018). The ideology of soul justice in economic justice for all. **Journal of Business Ethics**, 3 (2),847-890.
- Paulo, M. (2016).The subject of social justice. A defense of the basic structure of society. **Journal of the Brazilian Political Science Association,** 10(2), 1-26. DOI:10.1590/1981-38212016000200006.
- Rawls, J. (2010). **A theory of justice**. Cambridge: Harvard University Press.
- Richards, M., & Wblls, A. (2005). Impacts of illegality & barriers to legality: A diagnostic analysis of illegal logging in Honduras and Nicaragua. **Journal of International Forestry Review**, 5(3), 282-292. DOI:10.1505/IFOR.5.3.282.19153.
- Robinson, J. (2013). Why nations fail: the origins of power, prosperity, and poverty. **Journal of Southeast Asian Economies** , 29(2), 166-200. https://www.researchgate.net/publication/254939196.
- Savio Kavuri, A., & Shao., F.(2018).**The impact of social justice on economic performance. Centre for Applied Macroeconomic Analysis**. London: Rutledge Pub.
- Sen, A. (2015). **Thought of justice,** translated by Vahid Mahmoudi. Tehran: Ney Pub. [In Persian].
- Sen, A. (2018). **Rationality and freedom**, translated by Alireza Beheshti. Tehran: Ney Pub. [In Persian].
- Sharifzadegan, M. H.(2008), Strategies for economic development and social justice. **Quarterly Journal of Social Welfare**, 24, 23-29. URL: http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2123-fa.html. [In Persian].
- Silver, M. (1990). Foundations of economics justice: Basil blackwell, **The Review of Austrian Economics**, 5(1), 135-137.
- Stiglitz, J., & Shahed, Y.(2003), **Development issues: resolved and unresolved in pioneers of future development economics in perspective**, translated by Gholamreza Azad Aramaki, Tehran: Ney Pub. [In Persian].
- Swift, A. (2017). **Political philosophy**, translated by Pouya Movahed. Tehran: Kavir Pub. [In Persian].
- Valentini, L. (2018). A paradigm shift in theorizing about justice? A critique of Sen. **Economics and Philosophy**, 7(2), 297-315. http://Social/Justice.Politics.ox.ac.uk.
- Voigt, D . (2018). Economic growth and social justice: testing a third way Assumption on the German case. **Organizational Research Methods**, 5 (3), 1-20. https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.103019.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.83252/geospa.2025.3.4122]

Study and Analysis of the Effects of Social Justice on Improving Economic Indicators in Rural Areas, Case Study: Ardabil County

Vakil Heidari Sarban, Professor of Geography and Rural Planning, Department of Geography and Urban and Rural Planning, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

Abstract

Today, economic growth and development are the only concerns of the governments of any society, and for all citizens of the world, economic growth and development are their first priority, and one of the most important factors affecting the improvement of economic indicators is justice and equality in society. The purpose of this article is to study and analyze the effects of social justice on improving economic indicators in rural areas of Ardabil County. This research is of the correlation type and uses an analytical-explanatory method. The statistical population studied in this study includes all villagers over 15 years of age living in rural areas of Ardabil County (N=85053), of which 383 people were selected as a statistical sample using the Cochran formula. The face validity of the questionnaire was confirmed by a panel of experts. A pilot study was conducted in a similar area of the statistical population with 30 questionnaires, and with the data obtained and using the special Cronbach's alpha formula in SPSS software, the reliability of the different parts of the research questionnaire was obtained from 0.77 to 0.90. The results of the Pearson correlation test showed that, except for the components of access to credit and obtaining social and economic security for people, there is a positive and significant relationship between all research components and the improvement of economic indicators in rural areas of Ardabil County. Finally, based on the analysis of the results, practical suggestions have been provided. Looking at the promotion and growth of economic indicators from the perspective of equality and justice, which to this day has not been covered in any texts, means that today, justice and equality act as the driving force of economic growth and development.

Keywords: Social Justice, Rural Economy, Economic Development, Rural Development, Ardabil County

Introduction

The majority of the poor in our country live in rural areas, and while a large number of the poor in this country live in rural areas, it should also be noted that in rural areas, wealth and opportunities are not distributed equally, and in other words, inequality is very visible in rural areas. Also, an unequal society causes the systematic weakening of the incentives for knowledge, efficiency, and productivity, and instead, rent, usury, corruption, and the domination of the unproductive become widespread. Social justice causes the production-oriented institutional structure to give way to the mafia and unproductive institutional structure, and survival, welfare, productivity, competitiveness and flexibility increase, property rights are guaranteed, transaction costs are reduced, production flourishes and taxes are collected in line with maximizing benefits. Through institutional reforms, the opportunity cost of free consumption and effortless and immediate benefits increase because in an unproductive institutional structure, production cannot grow, organizational and institutional capacities are realized in achieving high capability, ability, resistance and flexibility, economic transparency becomes evident and transparency means the death of rent-seeking.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.83252/geospa.2025.3.4122]

On the other hand, the author's field studies and surveys in rural areas of Ardabil County indicate that the level of inequality and injustice in the economic, social, political, and environmental lives of villagers in rural areas and even between urban and rural areas is clearly visible. If one compares these two human settlements, it becomes clear that the class gap and the gap between rich and poor between these two settlements is very large because most of the world's poor live in rural areas, and even the World Bank; He defines rural development as "a strategy to reduce rural poverty." If we look at the rural areas themselves, apart from this comparison, it is clear that the residents of rural areas have major differences in terms of economy, knowledge, culture, psychological capabilities, political awareness, knowledge, environmental attitude, wealth, power, and status. These differences and distinctions act as a barrier to the economic growth and development of rural areas. Therefore, the author enters the story with the assumption that there is increasing inequality in various forms, in various fields, and on different scales, which acts as a barrier to the development of rural areas and turns the improvement of economic indicators into a wish and ideal. From this perspective, resources and facilities are not used rationally, resources and facilities are not distributed optimally, capital outflows occur more intensively from rural areas, access to opportunities is not fair, savings It is more like a myth than reality. No action is taken to reduce production costs. No attention is paid to reducing transaction costs. Financial development indicators are deteriorating instead of improving. No effort is made to create new economic activities. No action is taken to facilitate investment facilities. Production chains are not identified for higher production and with high efficiency and productivity. No attention is paid to the job satisfaction of villagers. No measures are taken to increase the per capita income of villagers in Ardabil County. Social welfare and quality of life of villagers are falling every day. Increased investment in wealth generation, per capita income, and GDP in rural areas of Ardabil County are being forgotten. The light of rural handicrafts is losing its light day by day. Villagers are fighting for survival, not for more consumption and other life drivers. The provision of government credit services to villagers is at a low level. Agricultural inputs to increase productivity and efficiency are either not provided to the villagers or are provided on a small scale, no effort is made to diversify the rural economy, farmers' products are not insured, and farmers suffer extremely high losses and damages every year. In this regard, the author believes that the cause and effect, or in other words, the only or sole cause of these problems is inequality and the lack of realization of social justice and equal distribution of facilities and resources in the rural areas of Ardabil County. For this reason, this article has attempted to discuss and examine the relationship between the two variables of social justice and the improvement of economic indicators in rural areas. For this reason, this research seeks to examine and explore this question: Is there a meaningful relationship between social justice and the improvement of rural economic indicators?

Materials and Methods

The purpose of this article is to study and analyze the effects of social justice on improving economic indicators in rural areas of Ardabil County. This research is of correlational type and analytical-explanatory method. The statistical population studied in this research includes all villagers over 15 years old living in rural areas of Ardabil County (N=85053), of which 383 people were selected as a statistical sample using the Cochran formula. The face validity of the questionnaire was confirmed by a panel of experts. A pilot study was conducted in a similar area of the statistical population with 30 questionnaires, and with the data obtained and using the special formula of Cronbach's alpha in SPSS software, the reliability of the different parts

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.83252/geospa.2025.3.4122]

of the research questionnaire was obtained from 0.77 to 0.90. The results of the Pearson correlation test showed that, except for the components of access to credit and obtaining social and economic security for the people, there is a positive and significant relationship between all the research components and the improvement of economic indicators in rural areas of Ardabil County. Finally, based on the analysis of the results, practical suggestions have been provided. Looking at the promotion and growth of economic indicators from the perspective of equality and justice, which has not been covered in any texts to date, means that today, justice and equality act as the driving force of economic growth and development.

Findings and Results

Finally, the results of the Pearson correlation coefficient show that the relationship between the variables of access to education and health, access to information, access to political power, social status, poverty alleviation and unemployment, access to equal facilities and opportunities, weakening the subjective feeling of society members towards inequality, and improving the quality of life and social welfare is positive at the 1 percent error level, and the relationship between the variables of access to sources of income, access to social networks, intervention in the organization and balanced distribution of capital with the dependent variable of economic indicators is positive at the 5 percent error level. In addition, no significant relationship was observed between the variables of access to government credits and obtaining social and economic supplies for the people with the variable of economic indicators.

Discussion and Conclusion

Regarding the significant relationship between education and health variables and the improvement of economic indicators, it is worth mentioning this point, since today, unlike the agricultural revolution, which was arm-oriented and the industrial revolution was machine-oriented, wealth production and accumulation are brain-oriented. That is, the more knowledge rural citizens have, the more productivity, effectiveness, and efficiency they have with the help of knowledge and knowledge storage. In addition, education increases economic capacities and productive investments and leads to cultural-intellectual development and civilizational developments. And since one of the most important indicators of economic development is the employment of citizens, we can help economic development in rural areas by investing in human resources and developing human talents and capacities to use employment opportunities in rural areas. If this proposition is accepted that work is the most sacred and inviolable human asset, and the lack of employment opportunities in the national economy is a clear waste of this precious asset, this obstacle can only be safely crossed with the help of education and empowerment of rural residents.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-11-28]

[DOI: 10.83252/geospa.2025.3.4122]